

دکتر قاسم افتخاری
ترجمه با برخی توضیحات

آزادی مطبوعات از دیدگاه لنین^۱
نوشته: آلبرت رزیس^۲

اگرچه روسیه، بطوری که همه می دانند، آزادپخواهان نام آوری همتراز میلتن، ولتر، جفرسون، و میل، که همواره الهام بخش نسل های بعد از خود بوده اند، به جهان تحویل نداده است ولی فهرست نام روس های نامدار و یا گمنامی که برای آزادی مطبوعات مبارزه کرده اند خیلی بلند است و شامل انقلاب بیونی هم می شود که در انقلاب سال ۱۹۰۵ موقتا " موفق شدند سانسور مطبوعات را، که سالیان درازی چهره زندگی فکری و فرهنگی ملت را مسخ کرده بود، بکلی از میان بردارند. درحقیقت مخالفت با سانسور مطبوعات در آن هنگام چنان پرتوان بود که رژیم تزار نتوانست آنها دوباره بطور کامل برقرار سازد. با فرارسیدن انقلاب ۱۹۰۵ برنامه هر حزب سیاسی عمده از آزادی مطبوعات دفاع می کرد، اگرچه این احزاب تعبیرهای گوناگونی از آن

۱ - Albert Resis, "Lenin on Freedom of the Press" *The Russian Review* (July, 1977), pp 274-96.

مجله مطالعات امور روسیه یا RUSSIAN REVIEW زیر نظر مؤسسه مطالعاتی هوور درباره جنگ، انقلاب و صلح (Hoover Institution on War, Revolution and Peace) که در ۱۹۱۹ در شهر استانفورد کالیفرنیا بنیانگذاری شد، منتشر می گردید و از تاریخ ژانویه ۱۹۸۳ به سردبیری دانیل فیلد با سازمان جدید زیر نظر دانشگاه سیراکیور (نیویورک) اداره و در دانشگاه هاروارد چاپ می شود. مترجم.

۲ - آلبرت رزیس (Albert Resis) استاد تاریخ دانشگاه ایلینوی شمالی می باشد
مترجم.

ارائه می‌دادند. حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه^۱ در سال ۱۹۰۳^۲ خواستار "آزادی نامحدود برای مطبوعات" بود در حالی که انقلابیون سوسیالیست (Socialist Revolutionaries-S.R.) یا اس‌آرها^۳ آزادی کامل مطبوعات را می‌خواستند و اکتبريست‌ها^۴ طرفدار آزادی بیان شفاهی و کتبی بودند و دموکراتهای مشروطه‌خواه اعلام کردند که خواهان آزادی اندیشه شفاهی یا کتبی و حق اشاعه افکار، به صورت نوشته و یا با استفاده از وسائل دیگر ارتباط جمعی بدون کاربرد هیچگونه سانسور همگانی یا انفرادی می‌باشند. ولی گروه اخیر با بیان اینکه "مرتکبین جرم و زیان کتبی یا شفاهی تنها در مقابل دادگاه پاسخگو خواهند بود" کمابیش موضع خود را مشروط کردند.

- ۱- حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه را چند گروه مارکسیست با گرد هم آئی خود در شهر مینسک (Minsk) در تاریخ ۱۸۹۸ بر اساس حزب مارکسی آن زمان آلمان بنا نهادند. مترجم.
- ۲- در نخستین جنبش‌ها انقلابی دهه‌های ۱۸۶۰ و ۱۸۷۰ ناردونیک (Nardonykh) ها یا نویسندگان و مفسرین سیاسی یک گروه پیشگام اجتماعی بودند. آئین آنها التقاطی از انگارهای ناکجا آباد فرانسوی و اندیشه چند تن از مفسرین بنیانگرا و سرشناس روسی بود. آنها نوعی سوسیالیسم کشاورزی مبتنی بر نوعی کمون دهقانی آرمانی را هدف خود داشتند و در عین حال بسیاری از آنان ترور مامورین دولتی را بعنوان بهترین روش تزلزل دستگاه تزار و تهییج توده‌های دانستند. نفوذ انحصاری آنان در میان روشنفکران روسی با رواج مارکسیسم در حدود ۱۸۹۵ درهم شکسته شد آنها در اثر احساس از دست دادن نفوذ اجتماعی خود در سال ۱۹۰۰ حزب انقلابیون سوسیالیست را پایه‌گذاری کردند. هدف این حزب دفاع از منافع دهقانان با ایجاد سازمانهای مخفی بود و بعلاوه در داخل این حزب یک "سازمان جنگی ویژه" رهبری فعالیت‌های تروریستی بر علیه دستگاه دولتی و مامورین آن را بعهده گرفت. حزب انقلابیون سوسیالیست پس از اعلام برنامه خود و ایجاد تشکیلات لازم پیروان زیادی، مخصوصاً در میان روشنفکران روسی، بدست آورد - مترجم.
- ۳- اکتبريست‌ها در واقع به حزب لیبرال‌های محافظه‌کار، که خود را متعهد به فعالیت در چارچوب بیانیه (مانیفست) اکتبر ۱۹۰۵ می‌دانستند، اطلاق می‌شد - مترجم.

حتی اتحادیه مردم روسیه یا گروه‌های صدنفری "باند سیاه"^۱ پشتیبانی خود را از چنان رژیم مطبوعاتی اعلام کردند که "متکی بر قوانین مشابه قوانین موجود در کشورهای اروپای غربی" باشد.^۲

دولت تزار چاره‌ای جز عقب‌نشینی در مقابل چنان فشار عمومی نداشت و در سال ۱۹۰۶ سانسور پیش از چاپ را لغو کرد ولی قدرت و بهانه‌های فراوانی، که خود می‌بایست بعداً "بوسیله دادگاه مورد تجدیدنظر قرار می‌گرفتند، در اختیار مقامات دولتی قرار داد تا با دستاویز آنها بتوانند روزنامه‌ها و مجلات را به بهانه قانون شکنی توقیف کنند. علاوه بر این، قانون مطبوعات یک سلسله تخلفات با تعریف‌های گنگ و مجازات‌های شدید مندرج در مجموعه قوانین کیفری درباره تحریک و توطئه علیه کلیسا و خیانت به سلطنت را برای متخلفین مطبوعاتی پیش‌بینی می‌کرد.^۳

علی‌رغم بستن چنین زنجیرهایی بردست وپای مطبوعات، بین سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷ روزنامه‌نگاری در روسیه به چنان شکوفائی دست یافت که در تاریخ آن کشور سابقه نداشت. تعداد روزنامه‌ها و تیراژ بزرگ آنها و همچنین گوناگونی منافع مورد پشتیبانی، تعداد خوانندگان و شمار صاحبان صنعت روزنامه‌نگاری روسیه، مخصوصاً "باتوجه به سطح بالای بیسوادی و سطح پایین درآمد مردم، واقعا" شگفت‌انگیز بود.^۴ در برهه کوتاه میان انقلاب‌های فوریه و اکتبر،

۱ - اتحادیه مردم روسیه یا "دسته‌های صدنفری باند سیاه" (Union of the Russian Black Hundreds یا People) یک گروه ارتجاعی ضدیهود و دارای ایدئولوژی خلیسی شبیه به نازیسم بود که بلافاصله بعد از بیانیه اکتبر ۱۹۰۵ به وجود آمد. افراد تشکیل دهنده این گروه در واقع سلطنت طلبانی بودند که در دسته‌های صدنفری به یاری پلیس به انقلابیون حمله می‌کردند و تظاهرات آنها را به گلوله می‌بستند (مترجم).

۲ - Ivanovich, ed. ROSSIISKIE PARTII SOIUZY I LIGI. (St. Petersburg, 1906), RSDLP, p. 5; SR's, p. 11; Octobrists, p. 31; Constitutional Democrats, p. 15 and "Black Hundreds", p. 118.

۳ - ZAKON O POVREMENNYKH IZDANIYAKH (Moscow, 1906), pp 1-10 and 10-13, Quoted in A.F. Bereznoi, ISARSKAIA TSENZURA I BOR'BA BOL'SHEVIKOV ZA SVOBODU PECHATI (Leningrad, 1967) pp 181-83 and 199-201. Also M. Florinsky, Russia: A History and an Interpretation. 2 vols. (New York, 1953) 2: 1186, 1238-39.

۴ - با فرارسیدن سال ۱۹۱۷ بیش از یکصد و پنجاه روزنامه و انواع مختلف اوراق و چهارصد و پنجاه مجله در پتروگراد (لنینگراد کنونی) منتشر می‌شد و در حدود یکصد روزنامه و بیش از دو بیست و هفتار مجله در مسکو به چاپ می‌رسید، نگاه کنید به:

A.Z. Okorokov, OKTIABR' I KRAKH RUSSKOIBURZHUAZNOI PRESSY (Moscow, 1970) pp 25-26, 40, 54-55.

که در اثر از میان رفتن سانسور تزار مطبوعات سوسیالیستی توانستند بدون هیچ مانعی منتشر شوند، این تنوع باز هم بیشتر شد. ولی تا نهم ژوئیه ۱۹۱۸ روزنامه‌نگاری زیر کنترل قوانین مطبوعاتی سخت‌گیر، که بوسیله لنین برقرار گردید و یا از او الهام گرفت، درآمد و در نتیجه تا ماه مارس ۱۹۱۹ این تنوع به مطبوعات تک‌حزبی کاهش یافت، اینکه علی‌رغم تعهد بلشویک‌ها و احزاب دیگر نسبت به آزادی مطبوعات، روزنامه‌های پتروگراد چگونه بدین وضع دچار شدند موضوع این نوشته می‌باشد^۱.

در فوریه ۱۹۱۷ انقلابیون توانستند دستگاه سانسور تزار را، این دفعه برای همیشه، نابود سازند. دولت موقت برای عمل انقلابیون مهر تأیید زد و در برنامه خودش "آزادی بیان، مطبوعات، تشکیلات و اجتماعات" را به همراه تصمیم خود به انحلال دستگاه سانسور تزار، یعنی سازمان مرکزی امور مطبوعات، اعلام داشت^۲ و این تصمیم را طی دو قانون مورخ ۲۷ آوریل ۱۹۱۷ به اجرا درآورد.

قانون نخست مطبوعات و حرفه انتشاراتی را از شمول مجازات قوه اجرائیه خارج ساخت^۳ ولی همین قانون با ایجاد برخی موانع اداری جزئی مانند الزامی کردن ثبت مشخصات

۱- سرنوشت مطبوعات مسکو در اینجا بطور مفصل مورد توجه قرار نخواهد گرفت. کنترل بلشویک‌ها روی مطبوعات مسکو بسیار ملایم بود تا اینکه آنجا به مقرر حکومت تبدیل گردید. در ششم (نوزدهم) نوامبر هنگامی که شورش مسلحانه بر علیه بلشویک‌ها در آن شهر درهم کوبیده شد، توقیف مطبوعات بورژوازی پایان یافت. علت برقراری مجدد آزادی مطبوعات این بود که شورای شهر مسکو اعلام کرد که فعالیت انتخاباتی برای مجلس مؤسسان "برای همه اجزای سیاسی و تمایلات گروهی بدون استثناء، باید آزاد باشد، همه روزنامه‌ها می‌توانستند به شرط پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان خود از ۲۸ اکتبر به بعد و با خودداری از دعوت مردم به شورش بر علیه دولت شوراها، منتشر شوند، سرپیچی از این مقررات سبب مصادره یا مجازات می‌شد. از دستور کمیته انقلابی نظامی مسکو در ششم نوامبر ۱۹۱۷. برای متن کامل این دستور رجوع شود به: "Proekty dekreta o pechati" KRANSYI ARCHIVO, 23 (1927): 127-128.

و همچنین مطالب چاپی غیرادواری هم در این نوشته مورد بررسی قرار نخواهد گرفت. چاپ و انتشار کتاب حتی مدتی بعد از بقدرت رسیدن استالین هم از کنترل شدید برکنار ماند.

۲- IZVESTIIA (March 3, 1917). R.P. Browder and Kerensky,

eds. 'THE RUSSIAN PROVISIONAL GOVERNMENT, 1917: DOCUMENTS.

۳- برای ترجمه این قانون نگاه کنید به: "IBID., pp 228-30" 3 vols. (Stanford, 1961), 1: 163.

سردبیر، ناشر و چاپ‌کننده روزنامه تاحدی این آزادی را محدود نمود، این قانون همچنین مقرر داشت که روزنامه‌ها باید تکذیب یا تصحیح دولت را ظرف مدت معینی با همان شکل مطلب توهین‌آمیز نسبت به دولت، منتشر کنند، قانون دوم همان روز رسماً "اداره مرکزی امور مطبوعات را منحل کرد و وسائلی برای انتشار اخبار و نظرات خود، در اختیار دولت قرار داد. آژانس تلگرافی پترزبورگ، بزرگترین روزنامه دارای سرویس مخابراتی در روسیه، ضمیمه دستگاه دولت موقت گردید و بدین ترتیب دولت پیک مخصوص خود را برپا ساخت^۱، اگرچه الزام ثبت مطبوعات، مطابق قانون نخست، به نوعی اجازه انتشار شباهت داشت ولی در واقع چنین نبود. انقلاب عملاً "همه وسائل کنترل مطبوعات رژیم تزار را از بین برده بود و قوانین تازه مطبوعاتی هم در عمل چیز دیگری جز اسباب ناراحتی‌های غیرقابل اجرا نبودند زیرا که هیچگونه مجازاتی در مقابل سرپیچی از قانون معین نشده بود و دولت هم حق توقیف امتیاز صاحبان مطبوعات را نداشت و در نتیجه "آزادی نامحدود مطبوعات" حکمفرما بود. وجود همین آزادی و شمول آن به فعالیت احزاب انقلابی لنین را واداشت تا در ماه آوریل ۱۹۱۷ بگوید: "البته ما از آزادی کامل سیاسی برخوردار نیستیم ولی در هیچ جای دنیا به اندازه روسیه امروز آزادی وجود ندارد^۲". وی تا ماه ژوئیه همان سال بدین ارزیابی خود پای بند ماند.

اما قیام "روزهای ژوئیه"^۳ کم‌مانده بود که دولت موقت را سرنگون سازد و برای جلوگیری از قیامی دیگر، دولت حالا به ریاست کرنسکی، مطبوعات چاپ بنیانگرا^۴ را از هم پاشید.

۱ - IBID., 230.

۲ - V.I. Lenin, "Petrogradskaia obschegorodskaia konferentsiia RSDRP (b). Doklad o teshchem momente... 14(27) Aprelia, 1917". POLNOE SOBRANIE SOCHINENII, 5th ed. vol 31 p. 243.

۳ - در روزهای اول ژوئیه ۱۹۱۷ تشنجات و تظاهرات مردم بر علیه دولت موقت اوج گرفت و در روز چهارم ژوئیه راه پیمائی عموماً "مسالمت‌آمیز مخالفین، که خواستار انتقال قدرت به شوراها بودند، به خون کشیده شد و مخالفین موقتاً "سرکوب گردیدند. این روزها به "روزهای ژوئیه" معروفند. مترجم.

۴ - این واژه در مقابل کلمه (Radical) بکار رفته و بنظر مترجم خیلی بهتر از واژه "افراطی" معنی را می‌رساند. مترجم

قانون منتشره در ۱۲ ژوئیه به‌ویژه جنگ و جانشین وزیر کشور اختیار داد که "بعنوان یک اقدام موقت" مطبوعاتی را که سربازان را به سرپیچی از دستورات نظامی و عدم اجرای وظایف ارتشی تشویق می‌کنند و یا مردم را به "قانون شکنی و جنگ داخلی" وامی‌دارند تعطیل نماید. اگرچه سردبیران در مقابل قانون مسئول شناخته شدند^۱ ولی هیچگونه مجازاتی بجز توقیف نشریه صریحا "مشخص نشد. کرنسکی همچنین "اساسنامه موقت سانسور نظامی" مصوب ۲ ژوئیه ۱۹۱۴ رژیم تزار را احیا کرد^۲ و در ۱۵ ژوئیه، با استناد به قانون مطبوعات مصوب ۱۲ ژوئیه، به سرکوبی مطبوعات بلشویکی پرودا و اوکوپنایا پراودا (OKOPNAIA PRAVDA) ادامه داد^۳.

یک مورد مهم در اینجا سابقه، سرنوشت مطبوعات "سلطنت طلب" و "گروه‌های صد نفری" "باندسیاه" در انقلاب فوریه بود. دولت موقت اقدامی بر علیه این نشریات نکرد ولی شورای پتروگراد برخوردی جدی با آنها داشت. حرفش هم تعیین کننده بود زیرا که کارگران صنعت چاپ بدون اجازه شورای نامبرده هیچ نشریه‌ای را به چاپ نمی‌رسانیدند. در چند روز اول انقلاب فوریه روزنامه‌های مرتب‌پیشین بعلت اعتصابات عمومی منتشر شدند. در روز ۲۷ فوریه بجز یک شماره اضطراری ایزوسیتا که بوسیله شورای نویسندگان پتروگراد برای رسانیدن اخبار دقیق از رویدادهای انقلابی به مردم فراهم آورده بود. هیچ روزنامه‌ای در پایتخت انتشار نیافت. از ۲۷ فوریه تا ۳ مارس تعداد ۱۵ شماره از این روزنامه با تأیید چخیدزه و ا. کرنسکی^۴ بیرون آمد ولی شورای پتروگراد در پی ایجاد ارگان مطبوعاتی ویژه خود بود و از این روی انتشار ایزوسیتا پتروگراد سکوگوسوتارا بوچیخ دیوتاتوف (IZVESTUUA PETROGRADSKOGO SOVETA RABOCHIKH DEPUTATOV) را در ۲۸ فوریه آغاز کرد نخستین شماره این روزنامه در چهارصد هزار نسخه با استفاده از چاپخانه کوپیکا (KOPEIKA)، روزنامه‌پر خواننده‌ای که بوسیله شورای پتروگراد صادره

۱ - Browder and Kerensky. RUSSIAN PROVISIONAL GOVERNMENT, 3: 1438.

فرماندهی نظامی پتروگراد روزنامه پراودا را در ۵ ژوئیه و جانشین آنرا در ۶ ژوئیه توقیف توقیف کرد و در نتیجه بلشویک‌ها نتوانستند تا انتشار رایوچی ی سولـدات (RABOCHII I SOLDAT) در تاریخ ۲۳ ژوئیه، ارگان مرکزی داشته باشند.

۴ - پس از واژگونی سلطنت در ۲۷ فوریه چخیدزه (Chkheidze) از حزب منشویک بعنوان رئیس و کرنسکی (Kerensky) از اس‌آرها بعنوان معاون شورای پتروگراد انتخاب شدند - مترجم.

شده بود، بیرون آمد^۱ از آنجا که کارگران چاپخانه بدون اجازه شورای پتروگراد روزنامه‌های را به چاپ نمی‌رسانیدند، بنابراین شورای نامبرده از یک نوع قدرت غیررسمی اعطای امتیاز مطبوعات برخوردار بود و می‌توانست از انتشار روزنامه‌هایی که از لحاظ سیاسی قبول نداشت جلوگیری کند.

تصمیم پلنوم شورای پتروگراد در تاریخ ۵ مارس دایر به رفع اعتصابات عمومی این سؤال را مطرح ساخت که آیا همه روزنامه‌ها و حتی ارتجاعی‌ترین آنها نیز ممکن است انتشار خود را از سر گیرند و آیا منع غیررسمی روزنامه‌های غیرقابل قبول از نظر سیاسی بایستی ادامه یابد؟ در جلسه مورخ ۵ مارس کمیته اجرائی شورای پتروگراد یک‌دسته بر آن بودند که نشریات "باندهای صدنفری" حداقل موقتا "توقیف گردد تا مبادا نیروهای ضدانقلاب را بحرکت درآورد، درحالی‌که دسته دیگر، به اتفاق ن. ن. سوخانوف (N.N. Sukhanov) پشتیبان آزادی نامحدود مطبوعات بودند و استدلال می‌کردند که مطبوعات ضدانقلاب در حال حاضر نمی‌توانند خطری متوجه انقلاب سازند. بنا به گفته سوخانف نتیجه بحث میان این دو دسته بوسیله چخیدزه، که دیوانه وار مخالف اجازه انتشار مجدد مطبوعات ارتجاعی بود، تعیین گردید و او استدلال می‌کرد که "وقتی تفنگی در دست من است هرگز آن را به دشمن نمی‌دهم و به او نمی‌گویم که این تفنگ را بردار و مرا بزن - من هرگز چنین حرفی نخواهم زد." ^۲ به هر حال کمیته اجرائی تصمیم گرفت که همه روزنامه‌های "باندهای صدنفری" از جمله زمشچینا (ZEMSHCHINA)، گولوس روسی (GOLOS RUSI)، کولول (KOLOKOL)، گروزا، (GROZA) و روسکوئه زنامیا (RUSSKOE ZNAMIA) ر ممنوع سازد. نووئه ورمیا (Novoe Vremia) هم بخاطر انتشار مجدد بدون کسب اجازه قبلی کمیته اجرائی تا اطلاع بعدی توقیف شده بود. انتشار هم بدون کسب اجازه ویژه کمیته اجرائی هنوز ممنوع بود ^۳. ولی در تاریخ

۱ - E.N. Burdzhhalov, VTORAIA RUSSKAIA REVOLIUTSIIA: VOSSTANIE V PETROGRAD (Moscow, 1967), pp 219-220. Frank Golder, ed. DOCUMENTS OF RUSSIAN HISTORY, 1914-1917 (New York, 1929) Reprint 1964, p. 277.

۲ - N.N. Sukhanov, THE RUSSIAN REVOLUTION, 1917, edited, abridged and translated by Joel Carmichael, 2 vols.

علی‌رغم مخالفت مطلق خود با لزوم کسب اجازه برای انتشار روزنامه، سوخانف چند روزی بعنوان یکی از اعضای کمیسیون روزنامه‌های شورا، سرگرم تعیین چاپخانه برای روزنامه‌ها بود، امری که خودش بعنوان "خاطرات شدیداً ناخوشایند از آن یاد می‌کند. رجوع شود به:

۱۵ مارس طرفداران آزادی نامحدود مطبوعات بررقیبان خود پیروز شدند و کمیته اجرایی اعلام کرد که در آینده همه مطبوعات می‌توانند بدون تائید قبلی مقامات شورا چاپ و منتشر شوند^۱ و در نتیجه روزنامه‌های مرتب سابق دوباره از چاپ بیرون آمدند.

در این هنگام لنین در زورخ باشتاب نتیجه گرفت که دولت موقت به مردم "آزادی و نان و صلح" ارزانی نخواهد داشت و برای آگاه ساختن کارگران از این امر و سازمان دادن آنان در یک حزب سوسیال دموکرات انقلابی، مطبوعات وسیله عمده می‌باشند^۲. بنابراین مطبوعات حزبی باید "همگی بطور دستجمعی" به تبلیغ گر، تحریک کننده و سازمان دهنده تبدیل شوند^۳ و همه این سه وظیفه باید تا سرحد امکان به اجرا درآید.

لنین در بازگشت به پتروگراد بی‌درنگ اعلام کرد که مطبوعات بلشویک باید این "دروغ" رایج بورژوازی که بلشویک‌ها مبلغ شورش و جنگ داخلی هستند را برملا سازد^۴. (پراودا)، که انتشار دوباره خود را در ۵ مارس از سر گرفته بود، و مطبوعات حزبی بطور کلی باید این نکته را روشن سازند که کارگران مبارز تازمانی که دولت از اعمال زور بر علیه شوراها و توده‌های مردم خودداری کند دست به خشونت نخواهند زد. در حالی که پراودا روی اشتباه شوراها موجود در پشتیبانی آنان از دولت موقت انگشت می‌گذاشت خود در تلاش تشویق کارگران به قبول اینکه شوراها تنها شکل ممکن یک دولت انقلابی هستند، پیشقدم بود^۵. در این هنگام لنین نقشی مانند یک "اکثریت تک نفره" بازی کرده حزب خودش را دوباره به چنگ آورد و تا آخر آوریل درخواست او از حزب درباره قطع پشتیبانی از دولت موقت و انتقال تمام قدرت به شوراها مورد موافقت اکثریت اعضای حزب قرار گرفت^۶.

۱ - Petrogradskii Sovet rabochikh i soldatskikh deputatov, PROTOKOLY ZASEDANII ISOPLNITEL'NOGO KOMITETA I BIURO I.K. (Moscow, 1925) p. 34.

۲ - نامه لنین به ا. م. کوالنتای مورخ ۱۶ مارس ۱۹۱۷ رجوع شود به!

۳ - Lenin "S chego. machat?" ISKRA, no. 4, May 1901. PSS 5:11

۴ - Lenin, "Besstydnaiia lozh kapitalistov" PRAVDA April

12(25), 1917, PSS, 31" 207.

۵ - IBID., p. 208.

۶ - پس از پیروزی انقلاب در ۲۷ فوریه ۱۹۱۷ بلافاصله دو مرکز قدرت در کشور به ویژه در پایتخت پدید آمد. یکی از این مراکز عبارت بود از شورای نمایندگان کارگران و سربازان که عملاً از اعضاء و هواداران منشویک‌ها، اس‌ارها و بلشویک‌ها تشکیل می‌شدند و خواهان ادامه انقلاب تا واژگونی نظام سرمایه‌داری بودند و مرکز دیگر کمیته موقتی دوما (پارلمان) بود که بوسیله طرفداران سرمایه‌داری تشکیل شد و بعداً "بصورت دولت موقت درآمد - مترجم.

حالا دیگر وظیفه، عمدتاً بدست آوردن اکثریت در داخل شوراها بود. در این هنگام لنین اقرار کرد که ما در شوراها "هنوز در اقلیت هستیم" ولی از آنجا که بلشویکها برحق هستند در سایه آزادی‌های رایج در روسیه انقلابی به کسب اکثریت (در شوراها) موفق خواهند شد.^۱ لنین می‌گفت تا هنگامی که آزادی رواج دارد و بلشویکها اقلیتی در شوراها هستند دست زدن به جنگ داخلی نمی‌تواند چیزی جز یک حماقت باشد و اقلیت ناخشنود باید به خواست اکثریت موقتاً "فریب خورده مردم گردن نهد و در همان حال بکوشد که آنها را به بلشویسم جلب نماید بنابراین حزب بلشویک به کارگران و سربازان موافق حکومت شورائی اعلام کرد که نمایندگان خود را در شوراها موافق این نقطه نظر انتخاب کنند تا اکثریت تازه‌ای به دست آید.^۲ برای بدست آوردن اکثریت تازه، مطبوعات بلشویک وسیله‌ای بسیار ضروری به حساب می‌آمد ولی در این مورد، بنا به گفته لنین شانس موفقیت بلشویکها بی‌اندازه ضعیف بود زیرا که احزاب بورژوازی شرکت‌کننده در دولت موقت، که در ماه مه با انقلابیون سوسیالیست (اس‌آرها) و منشویکها متحد شده بودند، رویهم رفته اگر نه صد برابر، لااقل ده برابر بیشتر از بلشویکها تیژاژ روزنامه داشتند^۳ علاوه بر آن دولت و حامیان آن که بر مطبوعات مسلط بودند، بنا به ادعای لنین، در صد بودند که بلشویکها را از تنها سلاح موجود در دستشان، یعنی آزادی مطبوعات و بیان هم محروم سازند. در حالی که مطبوعات طرفدار دولت و خود دولت بلشویکها را به تضعیف روحیه سربازان و تشویق مردم به ایجاد همه‌نوع اغتشاش متهم می‌کردند، حق پاسخ‌گوئی بلشویکها به این اتهامات سنگین را هم گویا دولت با منع توزیع پراودا در جبهه‌ها پامال می‌کرد. علاوه بر آن نمایندگی‌های توزیع روزنامه‌ها از توزیع آن خودداری می‌کردند.^۴

۱ - Lenin, "Petrogradskaia obshchgorodskaia konferentsiia.,", IBID., p. 243.

۲ - Lenin, "Rezoliutsiia Tsentral'nogo Komiteta RSDRP (b) priniataia utrom 22 apreliia (4 maia), 1917g" IBID., pp 309-11.

Lenin, "Perekhod kontrrevoluiutsii v nastuplenie", (New York, 1962), 1:70, 207-208.

۳ - Izvestiia, March 8, 1917. Sukhanov, THE RUSSIAN REVOLUTION, p. 208.

PRAVDA may 28 (June 10), PSS, 32: 216.

۴ - Lenin, "Bolsheviz i "razlozhenie" armii", PRAVDA June 3 (18), 1917; IBID., p. 255.

June 3 (16), 1917; IBID., p. 255.

بنابراین دست کم یک ماه پیش از "روزهای ژوئیه" و بدنبال آن سرکوبی مطبوعات بلشویک بوسیله دولت موقت، لنین گله مندان می گفت که "آزادی مطبوعات" به سبک بورژوازی بتدریج فریب کاری خود را نشان می دهد و این حقیقت را حتی مطبوعات منشویک هم با مشاهده تحریک احساسات ضد یهود بوسیله مطبوعات "محترم" و بنجل "درک می کند، لنین می پرسید که چگونه منشویک ها می توانند خود را طرفدار "دموکراسی انقلابی" بنامند و در عین حال چیزی در جلوگیری از مطبوعات ضد انقلاب نگویند؟

تازمانی که مطبوعات بلشویک اجازه انتشار و توزیع کم و بیش آزادانه ای داشتند لنین خواستار علنی سرکوب مطبوعات "ضدانقلابی" نبود و تنها اقدامی که در مورد محدودیت مطبوعات می خواست عبارت بود از انتشار یک روزنامه دولتی که بنظر او می توانست با جلب آگهی های بازرگانی بخشی از درآمد روزنامه های تجارتنی را به خود اختصاص دهد^۱، او هنوز هم خواهان انحصار انتشار آگهی های بازرگانی بوسیله دولت نبود اگرچه این موضوع را بعداً "پیشنهاد کرد،

ولی "روزهای ژوئیه" همه چیز را برای لنین دگرگون ساخت، دولت، او و سایر رهبران بلشویک را جاسوسان آلمان خواند و یا آنها را بعنوان مامورین و محرکین در راه صلح جداگانه با آلمان متهم کرد و در نتیجه همه رهبران بلشویک هر آن در خطر بازداشت به خاطر این اتهامات مبهم بسر می بردند، چخیدزه منشویک رئیس شورای پتروگراد و کمیته اجرایی مرکزی کنگره شوراهای سراسری روسیه با مشورت با رفیق تسرتلی (Tseretelli) وزیر پست و تلگراف به همه سردبیران روزنامه های مهم تلفن کرده درخواست نمود که از اینگونه افتراها و تهمت های بیشرمانه نسبت به بلشویک ها خودداری کنند ولی چند ساعت بعد سر بازان دولت موقت روزنامه پراودا را تعطیل، ساختمان آن را خراب، همه کارکنان مشغول به انجام وظیفه آن را بازداشت و همه وسایل آن را مصادره نمود، همه روزنامه ها تقاضای چخیدزه را قبول کردند بجز روزنامه ژيووئه سئو (ZHIVOE SLOVO) که تهمت نامبرده را منتشر کرد^۲.

۱ - Lenin, "Kak borot sia s Kontrrevoliutsiei", PRVDA, June 17(30), 1917; *ibid*, p. 349.

۲ - Lenin, "Gde vlasti i gde Kontrrevoliutsiia ?" LISTOK PRAVDY, July 6 (19), 1917; *IBID.*, p. 416.

بلشویک ها روزنامه ژيووئه سئو را در ۲۸ اکتبر ۱۹۱۷ تعطیل کردند.

ضمن تن ندادن به محاکمه در یک دادگاه به قول خودش، دریفوسی^۱ لنین حالا دیگر بین مطبوعات "بورژوازی" و سوسیالیستی فرق روشنی قائل بود و عقیده داشت که مطبوعات سوسیالیستی هنوز "آزادند" بنا به ادعای لنین مطبوعات بورژوازی در گفتن اینکه او یک جاسوس و یا یک عامل آلمان است عمداً "میخواهند با دروغ توده مردم را بفریبند و اکنون این وظیفه سنگین بدوش مطبوعات "آزاد" است که با افشای این افترا و تهمت بورژوازی نسبت به بلشویکها از مجازات بدون دادرسی آنها جلوگیری کنند^۲.

علاوه بر این، او حالا دیگر درباره صداقت مطبوعات "آزاد" هم دچار تردید شده بود زیرا که آنها گویا علت اصلی سرکوب بلشویکها و انهدام مطبوعات آنها بوسیله کرنسکی را افشا نکردند. در حالی که دست راستیها از سرکوب بلشویکها شادمانی می کردند لنین از مخفی گاه خود نیاز به ایجاد چنان دولت انقلابی را اعلام کرد که در "وقت مناسب" بتواند مطبوعات بورژوازی را نه تنها در تنگنا قرار دهد بلکه یکسره تعطیلشان کند. او نوشت که برخلاف دشمنان طبقاتی خود، پرولتاریا "هرگز به تهمت و افترا متوسل نخواهند شد. آنها مطبوعات بورژوازی را با دستور دولت و پس از اعلام قانونی و آشکار اینکه سرمایه داران و حامیان آنها دشمن خلقند، تعطیل خواهند کرد"^۳.

لنین استدلال می کرد که رژیم ستمکار گذشته دوباره برپا می گردد و گواه این ادعا انهدام مطبوعات کارگران، توقیف بدون محاکمه روزنامه های آنها و در تنگنا قرار دادن رهبران بلشویک می باشد. او تا حدی بطور متناقض می گفت که این سرکوبی مطبوعات تنها موقعی می تواند از لحاظ قانونی قایل ناع باشد که دولت موقت حزب بلشویک و دیدگاه آن را غیر قانونی اعلام کند. اما همه می دانند که دولت روسیه آزاد نمی تواند دست به چنین کاری بزند و چنین نیز نکرد^۴.

۱ - منظور محاکمه آلفرد دریفوس (Alfred Dryfus) افسر یهودی نسب ارتش فرانسه و محکومیت او بر اساس اسناد جعلی دونفر از همکاران وی و محاکمه مجدد و اثبات بی گناهی او پس از دوازده سال زندان در ۱۹۰۶ می باشد - مترجم .

۲ - Lenin, "Pis'mo v redaktsiiu 'Novoi zhizni', "NOVAIA ZHIZN, July 11 (24); PSS, 34:7.

۳ - Lenin, "Blagodarnost kniaziiu L vovu", PROLETARSKOE DELO July 19 (August 1), 1917; IBID., p. 20.

۴ - Lenin, "Uroki revoliutsii" RABOCHII, August 30 and 31 (September 12), 1917; IBID., p. 120.

کودتای بی‌سرانجام ژنرال کورنیلوف^۱ این فرصت را به بلشویک‌ها داد تا آنچه را که از ژوئیه، ببعد از دست داده‌بودند جبران کنند، لنین از مطبوعات بلشویک خواست که شوق و هیجان حاصل از مبارزه برعلیه کورنیلوف در کارگران و دهقانان را شدت بخشند، بلشویک‌ها باید توده‌ها را به "کتک‌زدن" افسران طرفدار کورنیلوف تشویق کنند، انتقال زمین به دهقانان را جزو درخواست فوری خود قرار دهند، به مردم پیشنهاد کنند که شوراها باید "رودزیانکوف" (Rodziankovi) و میلیوکوف (Miliukov) را بازداشت، دوما را تعطیل بچ و سایر روزنامه‌های بورژوازی را توقیف نمایند، ...^۲

در حالی که پیروان بلشویک‌ها دوباره به سرعت افزایش می‌یافتند، لنین از برتری مطبوعات بورژوازی بیش از پیش بیمناک بود زیرا که به نظر او این برتری به بورژوازی بزرگ امکان می‌داد که دهقانان را بطرفداری از خود جلب کرده و بدین ترتیب بر مجلس مؤسسان مسلط شوند، تنها "روشنگری" سیاسی دهقانان می‌توانست از این رویداد جلوگیری کند ولی مطبوعات حيله‌گر بورژوازی ضدانقلاب و مطبوعات "زرد"^۳ به فریب و تحمیق و تهدید دهقانان سرگرم بودند، در حالی که در مقایسه با آنها مطبوعات منشویک‌ها و اس‌آرها (بدون ذکر مطبوعات بلشویک) خیلی خیلی ضعیف بود.^۴

اس‌آرها و منشویک‌ها با خودداری از بدست گرفتن همه قدرت سیاسی، مطبوعات را در دست بورژوازی قراردادند و در نتیجه کاری برای نابودی جهالت دهقانان - این آخرین و عمده‌ترین تکیه‌گاه همه ستمکاران و استثمارگران مردم - صورت نمی‌گرفت.^۵

۱ - در اواخر ماه اوت ۱۹۱۷ با مشاهده بی‌کفایتی دولت موقت در سرکوبی قطعی انقلابیون و ادامه مؤثر جنگ با آلمان، ضدانقلاب داخلی با کمک و همفکری نزدیک دولت‌های آمریکا و انگلیس و فرمانده تصمیم گرفت طی کودتا به رهبری ژنرال کورنیلوف (L.G. Kornilov) فرمانده کل قوای روسیه، یک رژیم دیکتاتوری نظامی در روسیه برقرار سازد، ولی در اثر تهیج و تجهیز مردم بوسیله انقلابیون، بویژه بلشویک‌ها، از ورود نیروهای کودتا به پتروگراد جلوگیری شد و بدین ترتیب کودتا شکست خورد - مترجم.

۲ - Lenin, "V Tsentral'nyi Komitet RSDRP", written August 30 (September 12), 1917; IBID., p. 120.

۳ - "زرد" به گروه‌ها و مطبوعاتی اطلاق می‌شد که بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم مردود بودند - مترجم.

۴ - Lenin, "Kak obespechit' Uspekhn Uchreditel' nogo Sobraniia, (o svobode pečati)", "RABOCHII PUT", September 15 (28) 1917; IBID., pp 208-09.

۵ - IBID., p. 209.

لنین می‌گفت احزاب "خرده‌بورژوازی" بدان علت از مهار کردن مطبوعات بورژوازی خودداری می‌کنند که خودشان خواهان آزادی مطبوعات به مفهوم بورژوازی آن می‌باشند. آزادی مطبوعات به مفهوم بورژوازی آن حالتی است که سانسور از میان می‌رود و همه احزاب و گروه‌ها آزادند تا جائی که توانائی مالی‌شان اجازه می‌دهد هر نوع نشریه‌ای منتشر سازند. لنین توضیح می‌داد که این آزادی مطبوعات نیست، بلکه آزادی ثروتمندان و بورژوازی در تحقیق توده‌های استثمار شده و ستمکش می‌باشد. "در حالی که اس‌آرها، منشویک‌ها و بلشویک‌ها در هردو پایتخت (پتروگراد و مسکو - مترجم) جمعاً "سه چهارم آرای مردم را در اختیار داشتند، تیراژ روزنامه‌های آنها از یک چهارم و شاید حتی از یک پنجم مجموع مطبوعات بورژوازی کمتر بود زیرا که مطبوعات سوسیالیستی توانائی مالی انتشار مطبوعات در سطح تیراژ مطبوعات سرمایه‌داری را نداشتند. بنابراین آزادی مطبوعاتی در یک جامعه بورژوازی یعنی "آزادی ثروتمندان در تحمیق، فاسدسازی و فریب توده‌های استثمار شده و ستم دیده بطور منظم، بی‌وقفه و روزانه با استفاده از میلیون‌ها شماره نشریه.^۱

به نظر لنین آزادی واقعی مطبوعات "یعنی اینکه همه نظرات تمامی شهروندان بتواند آزادانه منتشر گردد. " بنابراین مطبوعات باید هم از قدرت سانسور و هم از قدرت پول آزاد گردند. قدرت بی‌حساب صاحبان مطبوعات شوروی را تنها بوسیله محروم ساختن آنان از سرچشمه درآمد مطبوعاتی یعنی آگهی‌های تجارتنی، می‌توان از هم پاشید. آگهی‌های بازرگانی از یک طرف توانائی مالی صاحبان مطبوعات را تأمین می‌کند و از طرف دیگر ذهن توده‌ها را "مسموم" می‌سازد و لذا سوسیالیست‌ها باید انتشار آگهی‌های تجارتنی را به انحصار دولت درآورند. این اقدام ضمن آنکه به تسلط سرمایه‌داران بر مطبوعات پایان می‌دهد، شوراها را هم قادر می‌سازد که نشریاتشان را با کمترین هزینه و یا حتی بطور مجانی در اختیار همه مردم، بویژه دهقانان، قرار دهند. درست است که با این عمل به حریم مقدس مالکیت خصوصی تجاوز می‌شود ولی چرا باید حق مالکیت خصوصی در مورد مطبوعات مقدس‌تر از مالکیت در زمینه‌های دیگر، که در زمان جنگ مصادره می‌شوند، به حساب آید.^۲

ولی برای لنین حتی این اقدام هم آزادی کامل مطبوعات را تضمین نمی‌کند زیرا که قدرت پول باز هم می‌تواند چاپخانه‌ها و کاغذ مطبوعات را به انحصار خود درآورد و بنابراین لازمه آزادی واقعی مطبوعات آن است که شوراها قدرت حکومت را بدست گیرند. در آن صورت دولت شوروی باید همه چاپخانه‌ها و همه کاغذ مطبوعات را مصادره کرده و

۱ - IBID., p. 210.

۲ - IBID., pp 211-212.

آنها را بطور منصفانه تقسیم کند، یعنی با توجه به منافع اکثریت مردم حق تقدم در استفاده از امکانات انتشاراتی با دولت باشد و بعد از آن احزاب بزرگ سیاسی و سپس احزاب سیاسی کوچک و بالاخره هر گروه شهروندان که دارای اعضای یا هوادارانی به تعداد معین و یا قادر به جمع آوری تعداد معینی امضاء باشد در مقام چهارم قرار گیرد. در نتیجه کاربرد روش، توزیع ده‌ها شماره روزنامه یا ضمام مخصوص در هر ده‌گانه‌ای تضمین شده و میلیون‌ها شماره نشریه از هر حزب سیاسی بزرگ بیرون خواهد آمد.^۱

بدین ترتیب لنین در نخستین طرح خود از رژیم مطبوعات در یک حکومت شورائی آینده، وجود یک مبارزه واقعی میان احزاب سیاسی بزرگ بر سر نمایندگان مجلس مؤسسان را بعنوان یک واقعیت پذیرفت و گفت که در این مبارزه همه شهروندان از طریق احزاب سیاسی و یا گروه‌های منافع مورد نظر خودشان شرکت نمایند. هر حزب یا گروه سیاسی کاملاً "قادر خواهد بود که با استفاده از چاپخانه و کاغذی که با توجه به تعداد اعضا، و نه به نسبت قدرت مالی، در اختیار آن قرار داده می‌شود، به اشاعه آزادانه نظرات خود بپردازد، پس آزادی مطبوعات به مفهوم بورژوائی که برای ثروتمندان آزادی واقعی و برای تهیدستان و کارگران آزادی ظاهری می‌باشد، جای خود را به آزادی واقعی مطبوعات - آزادی پرولتری و سوسیالیستی - خواهد سپرد که در آن امکانات انتشاراتی به تناسب هر حزب یا گروه مورد استفاده قرار خواهد گرفت و بنابراین هیچکس از امکان انتشار نظرات خود محروم نخواهد شد، شاید بجز شهروندانی که هنوز هم طرفدار آزادی انحطاطی (بورژوازی - مترجم) باقی مانده‌اند و لنین فکر می‌کرد این گروه هم بسیار اندک خواهد بود و فقط ثروتمندان را دربر خواهد گرفت.

در شامگاه انقلاب اکتبر لنین نه طرفدار ایجاد دیکتاتوری تک‌حزبی و در نتیجه نه خواستار انحصار مطبوعات بوسیله آن بود و حتی انتظار چنان رویدادی را هم نداشت.^۲ درست برعکس، لنین عقیده داشت که قدرت شورائی می‌تواند بر پایه وجود یک سیستم

۱ - IBID., pp 212-213.

۲ - این نکته را حتی دشمنان دیرینه بلشویسم هم تأیید کرده‌اند، مثلاً "دیوید دالین نوشت، رویدادهای آنها مارکسیسم سنتی بلکه نقشه‌های لنینیسم را هم در خود غرق کرد، دولت شوروی از اتحاد احزاب "کارگران" و "دهقانان" بوجود نیامد" اگرچه تا اوریل ۱۹۱۷ از نظر بلشویک‌ها شعار "قدرت شورائی" ائتلافی از احزاب بزرگ انقلابی را تداعی می‌کرد. "روجوع کنید به؛

David Dallin "Introduction" in Leopold H Haimson, ed.,

THE MENSHEVIKS: FROM THE REVOLUTION OF 1917 TO THE

SECOND WORLD WAR (Chicago, 1974), p. 95.

سیاسی چند حزبی و آزادی مطبوعات قرار گیرد و قدرت سیاسی بطور مسالمت آمیز میان احزاب شورائی دست به دست شود. لنین فکر می کرد که نیازی به ترور سیاسی و یا جنگ داخلی پیش نخواهد آمد زیرا که هیچ طبقه ای جرات آن را نخواهد داشت که بر علیه قدرت شورائی دست به اسلحه ببرد. ملاکان و سرمایه داران در مقابل قدرت تسخیر کننده شوراهای مورد پشتیبانی مردم با آرامش تسلیم خواهند شد. معدودی از سرسختان با مصادره اموالشان تنبیه شده و یک بازداشت کوتاه مدت برای ساکت کردنشان کافی خواهد بود. "شوراها می توانند با به جنگ آوردن قدرت، حتی امروز، تکامل صلح آمیز انقلاب، انتخابات صلح آمیز نمایندگان بوسیله مردم، مبارزه مسالمت آمیز احزاب در داخل شوراها، آزمایش برنامه های گوناگون در عمل و دست برداشتن مسالمت آمیز قدرت میان احزاب را تضمین کنند،" ^۱ ولی انقلابیون باید فوری دست به کار مهار کردن مطبوعات بورژوازی شوند تا مبادا آنها بتوانند دهقانان را به یک وسیله تسلط ضد انقلاب تبدیل کرده و جنگ داخلی میان پرولترو بورژوازی را اجتناب ناپذیر سازند ۲-

اما اول کرنسکی حمله را آغاز کرد و از جمله اقدامات سرکوب گرانه او صدور دستور توقیف پروادا در تاریخ ۲۴ اکتبر بود تا به قول خودش از قیام بلشویک ها جلوگیری کند ولی این حمله عاجزانه کرنسکی بر بلشویک ها لنین را قادر ساخت که بالاخره رهبران حزب را به قیام علیه دولت موقت متقاعد نماید. در ۲۵ اکتبر رؤیای لنین از آینده سوسیالیستی شروع به شکل گیری کرد. در مورد مطبوعات برنامه سه اصلی لنین راهنمای بلشویک ها شد و

1 - Lenin, "Zadachi revoliutsii" RABOCHII PUT, September 26-27, (October 9-10), 1917; PSS, 34:237.

بدون شک خواننده به عدم اشاره به کنترل حزب بر انتشارات غیر روزنامه ای مانند مجلات، کتب علمی و غیر علمی و هنری متوجه شده است. اگرچه لنین در ۱۹۰۵ نوشت که آزادی واقعی مطبوعات مستلزم آن است که ادبیات جزعی از تلاش مشترک پرولتاریا باشد و بصورت پیچ و مهره یک مکانیسم بزرگ سوسیال دموکرات بحرکت درآمده بوسیله حزب بکار رود، رجوع شود به: "Partiinaia organizatsiia i partiinaia literatura" PSS, 12:100-101.

ولی در اظهارات لنین در مورد آزادی مطبوعات هیچ اثری از یک برنامه یا کوشش در تبدیل همه انتشارات به "انتشارات حزب" دیده نمی شود و بنابراین مفهوم پارتنی نوست (Partiinost) یا کنترل حزب بر همه انتشارات بایستی از یک تفسیر استالینی ناشی شده باشد.

اوتوده تحت عذاب گرسنگی و جنگ در یک جامعه سرمایه داری در حال سقوط را بویژه در معرض سم مطبوعات ارزان قیمت "باند های سیاه" می دانست. Ibid., pp 414-415.

آن سه اصل عبارت بودند از: توقیف روزنامه‌های ضدانقلاب و تخصیص وسایل و امکانات آنها به روزنامه‌های انقلابی، ایجاد انحصار دولتی بر آگهی‌های تجارتي و سوسیالیستی کردن مطبوعات از طریق تقسیم چاپخانه‌ها و کاغذ میان تمامی احزاب سوسیالیست و گروه‌های شهروندان به تناسب شمار پیروان آنها. اصل نخست به اجرا گذاشته شد و در نتیجه هفت روزنامه با بالاترین تیراژ در پتروگراد، که پشتیبان کرنسکی بودند و یا نسبت به کورنیلوف همدردی نشان داده بودند در تاریخ ۲۶ اکتبر بوسیله کمیته انقلابی نظامی شورای پتروگراد تعطیل گردیدند. در میان روزنامه‌های تعطیل شده می‌توان از *RECH* (ارگان کادتها، نووئه و رمیا) *NOVOE VREMIA* بیرژویه و *DOMOSTI* (*BIRZHEVYE VEDOMOSTI*) و دن (*DEN*) را نام برد^۱. توقیف مطبوعات سرعت گرفت، از ۱۶ تا آخر نوامبر کمیته انقلابی نظامی روزانه تا پنج روزنامه را در پتروگراد به اتهام فعالیت‌های "ضدانقلابی" تعطیل کرد. همه این روزنامه‌ها را انصافاً "می‌شد بورژوازی‌نامید، ولی لنین همواره بطور ضمنی گفته بود که "مطبوعات آزاد" یعنی مطبوعات "زب شورائی نه تنها منع نخواهند شد بلکه در واقع ممکن است سهمی از وسایل مطبوعات ضدانقلابی را هم بدست آورند، اما او مصونیت "مطبوعات آزاد" را هم تعهد نکرده بود و آنچه که اس‌آرهای چپ‌گرا و منشویک‌های متحد بلشویک‌ها را به وحشت می‌انداخت توقیف روزنامه‌های نزدیک به احزاب سوسیالیست بود. مثلاً *GOLOS SOLDATA* (که خود را ارگان نمایندگان کارگران و سربازان شورای پتروگراد می‌نامید، همراه با روزنامه‌های بزرگ بورژوازی در نخستین روز قیام تعطیل گردید^۲.

۱ - Okorokov, OKTIABR, pp 343-44.

روزنامه‌های تعطیل شده طی سال‌های ۱۹۱۷ - ۱۹۱۱ به دو گروه روزنامه‌های بورژوازی و خرده بورژوازی تقسیم شده و با تاریخ تعطیل و هویت سیاسی هر یک در این اثر آمده است. صفحات ۳۴۳ - ۳۷۶.

۲ - A.A. Goncharov, "Bor'ba Sovetskoi vlasti s Kontrrevoliutsionnoi burzhuznoi i melkoburzhuznoi pechat'iu (25 Oktabria-iiul'1918g." VESTNIK MOSKOVSKOGO UNIVERSITETA, SERIIA XI. ZHURNALISTICA, 1969, no. 4 pp 14-15.

ناگفته نباید گذاشت که بسیاری از روزنامه‌ها نه بخاطر تعلق به "بورژوازی" بلکه بعلت انتشار (دنبالهٔ زیرنویس در صفحهٔ بعد)

(دنباله زیرنویس صفحه قبل)

درخواست‌های کرنسکی ، ژنرال‌ها و سازمانهای ضد شوروی از مردم دایر برآغاز کردن جنگ بر علیه دولت شوروی ، مقاومت در مقابل آن و یا به رسمیت شناختن آن ، تعطیل گردیدند .
 ۲- گولوس سولدا تا با هشت مرتبه تغییر نام تا مواججه با سرنوشت خود در تاریخ ۲۲ دسامبر منتشر گردید (Okorokov, OKTIBRA, pp 357-358) نارودنوه سلوی ترودوویک
 (TRUDOVIK Narodnoe Slovo) در تاریخ ۹ نوامبر و ولیانارودا ،
 (Volia Naroda) نشریه اس آرهای دست راستی در ۱۷ نوامبر تعطیل گردیدند
 رجوع شود به IBID., p. 359 نووایا ژیزن گورکی (Gor'kii's Novaia Zhizn)
 در ۱۲ ژوئن ۱۹۱۸ توقیف شد و زنامیا ترودای (Znamia truda) اس آرهای چاپ با
 منع عمومی روزنامه‌های ضد بلشویک در تاریخ ۹ ژوئیه ۱۹۱۸ سقوط کرد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی